سرانجام سرباز سیلی خورده و صف آب در زاهدان!

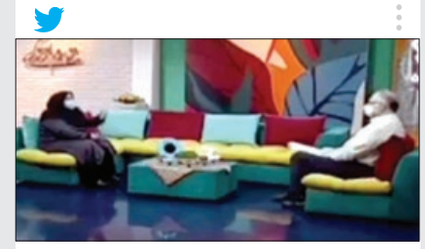

3.9 M views

نسخه جنجالی کارشناس تلویزیون!

در ادامه نظرات درباره گرانی ها و بعد از این که معاون وزیر صمت در برنامه ای گفته بود: «اگر میوه گران است، نخرید!» یک کارشناس در برنامه صبحگاهی تلویزیون به مردم توصیه کرد که «برنج خالی بخورید و میوه نخورید؛ مگه چی می‌شه؟ توقع‌تان را بیاورید پایین!» البته این توصیه خیلی زود در شبکه های اجتماعی باز نشر شد و انتقادات زیادی را هم به همراه داشت. کاربر دیگری نوشت: «پایین اومدن توقع چیز بدی نیست اما برای همه، نه این که مسئولان کشور در عیش و نوش به سر می‌برن و در این شرایط مردم رو به ساده زیستی و نخوردن دعوت می کنن!» کاربری هم نوشت: «در شرایطی که هر روز یکی از اقلام خوراکی از سفره مردم حذف می‌شه، اظهارات این چنینی درست نیست!»

3.1 M views

سبیل علی دایی در مثال ریاضی!

یک صفحه علمی آلمانی در اینستاگرام از سبیل علی دایی به عنوان الگوی شکلی سوال ریاضی استفاده کرده است. این صفحه در روز جهانی ریاضیات عکس علی دایی را داده و نوشته «به عکس علی دایی نگاه کنید. عکس ۶۸ در ۵۲ میلی‌متر است و سبیل علی دایی ۳ در ۱۱ میلی‌متر، حالا شما محاسبه کنید که سبیل دایی چند درصد از تصویر را اشغال کرده است. کاربران به این تصویر واکنش نشان دادند و در زیر پست این پیج آلمانی نظراتشان را نوشتند. کاربری نوشت: «بابا سبیل حرمت داره، اصلا چرا سبیل هیتلر رو الگوی کارتون قرار ندادید؟» کاربر دیگری نوشت: «اینا چون می‌دونن ایرانی ها به این جور چیزا حساسن از این کارا می‌کنن که بازدید و کامنت های صفحه شون بره بالا.» کاربری هم نوشت: «علی دایی نه تنها خودش که حتی سبیلشم باعث افتخار ماست.»

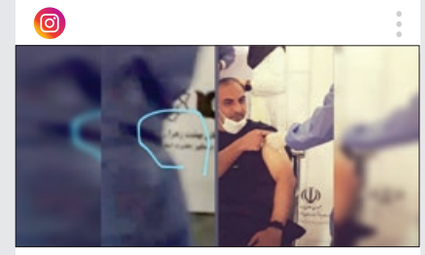

2.8 M views

به نام کارکنان بهشت زهرا به کام کی؟

یک کانال تلگرامی با انتشار تصاویری از تزریق واکسن کرونا به کارکنان بهشت زهرا مدعی شد که برخی افراد شاغل در برخی مناطق شهرداری تهران که ارتباطی با سازمان بهشت زهرا ندارند با آغاز تزریق واکسن به تطهیرگران، واکسن دریافت کرده اند. البته مدیرعامل سازمان بهشت زهرا در واکنش به این موضوع نوشت: «فرد مد نظر از کارمندان شهرداری منطقه ۱۲ بوده که حدود ۴-۵ ماه است به صورت کاملا داوطلب حداقل سه روز در هفته در مرکز عروجیان حضور موثر و فعال دارد و گشت می‌زند.» بسیاری از کاربران این واکنش مدیرعامل بهشت زهرا را توجیهی بر کار نادرست این نهاد در اختصاص واکسن به کارکنان زحمتکش بهشت زهرا دانستند. کاربری نوشت: «به یکی چون داوطلبانه میاد توی بهشت زهرا کشت می زنه واکسن می زنن ولی غسال از تزریق واکسن جا می مونه!»

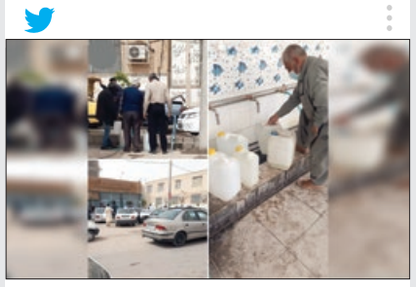

3.4 M views

پس از صف گاز، مرغ و روغن؛ حالا صف آب در زاهدان!

هنوز توفان شن درست فروکش نکرده و ریزگردها در شهر زاهدان تنفس و دید را با مشکل مواجه کرده است. با این حال مردم این شهر به دلیل قطع آب به ناچار در صف آب ایستادند. البته صف های گاز، مرغ و روغن هم در این شهر تشکیل می‌شود اما بی آبی که به صف کشیدن منجر شده، خود درد دیگری است که مردم این منطقه به آن دچارند. کاربران به تصویر مردمی که در صف آب ایستاده اند واکنش نشان دادند. کاربری نوشت: «واقعا مسئولان چطور خجالت نمی کشن و می گن سفره مردم خط قرمز ماست در حالی که مردم حتی برای آب هم در صف می ایستند.» کاربر دیگری نوشت: «مردم سیستان و بلوچستان از نجیب‌ترین مردمان این کشورند که با همه کمبودها پای انقلاب ایستاده اند.»

2.4 M views

سرباز سیلی خورده در خشکشویی یا عملیات؟

ماجرای درگیری علی اصغر عنابستانی نماینده مجلس با سربازی که اجازه ورود او به خط ویژه را نداده بود، دوباره سر زبان ها افتاد آن هم به این دلیل که به تازگی یکی از روزنامه ها ادعا کرده بود که این سرباز بعد از این درگیری بانماینده مجلس به خشکشویی پلیس راهور منتقل شده است. البته روز گذشته فرمانده انتظامی پایتخت این موضوع را تکذیب کرد و گفت: «سرباز مد نظر از نیروهای قسمت عملیات پلیس راهور است و هم اکنون نیز در همان قسمت حضور دارد و ایفای نقش می‌کند.» کاربران به این اتفاق واکنش نشان دادند. کاربری نوشت: «چرا بعد از یک ماه هنوز نتیجه برخورد زشت نماینده با مامور قانون مشخص نشده؟ اگه جای دو طرف عوض می شد هم روال همین قدر طولانی بود و مامور می‌تونست به کارش ادامه بده؟!» کاربری هم نوشت: «به نظرم باید از اون سرباز قدردانی بشه که وظیفه شو به درستی انجام داده.»

2.1 M views

سارقان به پارک زدند!

ویدئویی از یک پارک که گفته می شود از پارک های شهر الیگودرز است در شبکه های اجتماعی دست به دست شد که نشان می‌داد سارقان تمام لوازم ورزشی، سطل های زباله، در تابلوی برق، پل فلزی و هر آن چه را در آن فلز بوده از این پارک به سرقت برده اند. کاربران به این ویدئو واکنش نشان دادند و کاربری نوشت: «چیزی که توی این ویدئو مشخصه اینه که دزدها کل پارک رو بردن و به نظرم اگه چمن ها هم خشک نبودن همونا رو هم می‌دزدیدن.» کاربر دیگری نوشت: «گرونی ضایعات به حدی شده که می‌صرفه شهرداری برای هر پارک یه نیرو بذاره که از سرقت لوازم ورزشی جلوگیری بشه.» کاربری هم نوشت: «بازنشسته ها دلخوشی شون نشستن توی پارک و استفاده از همین لوازم ورزشی پارک ها. اینو از شون نگیریم.»

شبی پرهیاهو در اورژانس

روایتی متفاوت و خواندنی از ۳ روز بستری شدن یک بیمار در اورژانس عدالتیان؛ از پذیرش تا ترخیص

کورش شجاعی- نمی دانم تا حالا سر و کارتان به بخش اورژانس بیمارستان ها افتاده است یا نه؟! تا ببینید در این قسمت شلوغ بیمارستانی، بیماران با چه شرایط و وضعیتی پذیرش می شوند؟ چگونه و در چه اوضاعی تحت مراقبت قرار می گیرند یا بستری می شوند؟ نوع رسیدگی به بیمار اورژانس چگونه است؟ خدمات دهی به بیمار چه وضعیتی دارد؟ تکلیف «همراهی» یا «همراهان» بیمار چیست؟ شیوه برخورد و تعامل کادر درمانی اعم از پزشکان، پرستاران و نیروهای خدماتی با بیماران چگونه است؟ نرخ خدمات و غذا و پروسه ترخیص بیمار چگونه انجام می شود؟! و... شاید دانستن پاسخ این سوالات برای خیلی ها جالب باشد. آن چه می خوانید خلاصه دیده های یک بیمار است که چند روز پیش با علامت خون ریزی داخلی دستگاه گوارش به اورژانس عدالتیان مراجعه می کند و از قرار معلوم نگاهی نسبتا دقیق به محیط اورژانس و شرایط و اوضاع آن داشته که توسط نگارنده در قالب گزارش به رشته تحریر درآمده است. حاج اکبر آقا، سه شبی مهمان این بخش اورژانس بیمارستان امام رضای مشهد بوده و حالا این مرد حدود ۶۰ ساله که به لطف خدا حالش خوب است می گوید:

آن چه در قسمت پذیرش گذشت

حدود ساعت ۱۲ ظهر پنج شنبه بود که با یک همراه به اورژانس عدالتیان مراجعه کردم و با این که نیمه شب گذشته، پزشکی که خارج از بیمارستان شرح حالم را گرفته بود و به خاطر خون ریزی نسبتا شدید توصیه اکید داشت که فوری به اورژانس مراجعه کنم و طبیعتا باید استرس می داشتم و روحیه چندان مناسبی نداشته باشم اما با وضعیت عادی و روحیه ای خوب به بخش پذیرش اورژانس مراجعه کردم، خانم مسئول این قسمت سوالاتی کرد و گفت منتظر باشید تا معاینات انجام شود، خیلی سریع با تشکیل پرونده، روی یکی از تخت ها قرار گرفتم و چند دقیقه ای بیشتر طول نکشید که خانم پرستاری جوان و مودب کارهای ابتدایی را انجام داد، رفتارش برایم جالب بود خصوصا این که به خاطر سن و سالم مرا «بابا» خطاب می کرد. آن روز هوا سوز و سرمایی هم داشت، وقتی برای انجام آزمایش ها از دستم خون می گرفت به خاطر سرد بودن دست هایش از من عذر خواهی کرد! چون سابقه مراجعه به اورژانس نداشتم و بعضی چیزهایی که از این و آن شنیده بودم، این رفتار برایم جالب و البته شگفت آور بود! حالا نوبت معاینه و گرفتن شرح حال توسط خانم جوان دیگری رسید که دانشجوی پزشکی بود. وی دقیق و با حوصله این کار را انجام داد، بعد از خون گیری و اندازه گیری فشار خون و... ثبت شرح حال در پرونده ای که تنظیم کرده بودند، آن هم فقط با گرفتن یک کپی از دفتر چه بیمه و بدون گرفتن هیچ وجهی، حدود ۱۰ دقیقه بعد به قسمت بستری اورژانس انتقال داده شدم.

آن چه در قسمت بستری گذشت

اکبر آقا که هنگام بیان این حرف ها، شوری توامان با اظهار رضایت در گفته هایش حس می‌شد، چنین ادامه داد: در این قسمت دوباره یک دانشجوی پزشکی دیگر سراغم آمد و سوالاتی جزئی تر از نفر قبلی درباره بیماری ام کرد، این مرد جوان کوتاه قامت مودب و با حوصله که روی اتیکت اش نوشته شده بود دکتر... به سوالاتم نیز با دقت جواب می داد، این رفتارها، هر آن برشگفتی ام می افزود، خصوصا در مقایسه با رفتاری که از برخی پزشکان در مطب های خصوصی دیده بودم! مرد ریش سفید راوی این گزارش حین گفته هایش بر قدر دانستن نعمت بی بدیل «سلامت» تاکید می کند و با کشیدن آهی چنین ادامه می دهد: هنگام بستری در این قسمت متوجه شدم که از این لحظه که «سرم» و «سوند» و... وصل شده دیگر اجازه پایین آمدن از تخت ندارم، چون سابقه این کارها را نداشتم بسیار متاثر و آزرده شدم چرا که به من گفتند کارهای شخصی ات را نیز باید به کمک نیروهای خدماتی انجام دهی! بغضی تلخ گلویم را می فشرد و با خود می گفتم چگونه! چگونه! من خجالت می کشم! خیلی تحمل کردم اما بالاخره مجبور شدم به این ماجراتن در دهم، خدا می داند که از نیروی خدماتی که پرستاران، آنان را «بچه های کمکی» صدا می زدند، چقدر خجالت کشیدم، امارفتار و برخورد مناسب و برادرانه او و دیگر همکارانش، باعث آرامش ام شد.

ماجرای جنجال و هیاهو در اورژانس

اکبر آقای قصه این گزارش، سری تکان می دهد و می گوید: فلانی اما شنیدن آن همه جیغ و داد و فریاد و شیون در محیط اورژانس نیز برایم بسیار عجیب بود. این مرد پا به سن گذاشته که با صداقت و انصاف بیگانه نیست درباره ماجرای آن جیغ و داد می گوید: حدود غروب شده بود که ناگهان صدای جیغ بلند یک خانم از چند تخت آن طرف تر به گوش رسید، سپس صدای گریه مدام یک مرد فضای اورژانس را پر کرد، از این لحظه به بعد حدود پنج، شش نفری که گویا از بستگان درجه یک یکی از بیماران بستری در اورژانس بودند، در حال آمد و رفت به بالین بیمار و دوباره خروج از اورژانس شدند، یکی داد می کشید، دیگری گریه می کرد و... حالا و در این لحظات نفس های «مادر» به شماره های آخر افتاد و روحش به آسمان پر کشید و فرزندانش را تنها گذاشت. در این هنگام دیگر کسی جلودار فرزندان این مادر نبود، خانمی که گویا دختر آن مرحوم بود، به فاصله چند دقیقه آمد وسط این قسمت اورژانس و در بین پرسنل و بیماران بستری شده فریاد سر داد که مردم ببینید «این ها مادرم را کشتند!» درست است که داغ آن هم داغ مادر بسیار سخت است اما با خود می گفتم این همه فریاد و جیغ و داد و گفتن این جملات آن هم در اورژانس و جایی که این همه مریض بدحال بستری هستند، چه توجیه اخلاقی و منطقی دارد؟! دلم برای مادر و فرزندان جوان او بسیار می سوخت، قطرات اشک بر گونه هایم جاری شد ولی برخی رفتار و گفتار بعضی اقوام این مادر مرحوم چندان قابل قبول نبود آن هم در چنین محیطی پر از بیمار بستری! اکبر آقا می گوید: نکته جالب در جریان این جیغ و داد ها این بود که به لطف خدا، حتی پرسنل حراست، با بستگان این مرحوم برخورد مناسبی داشتند و هنگام حضور یکی دو نفر از نیروهای انتظامی نیز، مواجهه و برخورد نامناسبی مشاهده نشد، البته سکوت مطلق پرسنل و حوصله به جای آنان در مقابل این همه سر و صدا و البته اتهام نیز قابل توجه بود، سکوت و نشان ندادن واکنشی که شاید لحظاتی، رگه هایی از بی تفاوتی را به ذهن متبادر می کرد.

آن چه در قسمت پرستاری گذشت

اکبر آقا پس از بیان این ماجرا، درباره آن چه در بخش اصلی بستری بیماران اورژانس دیده بود، می افزاید: حدود یک ساعت بعد و پس از گرفتن عکس از سینه ام در بخش رادیولوژی بیمارستان که نمی دانم به چه دلیل انجام شد، به قسمت دیگری که گویا بخش اصلی بستری در اورژانس بود انتقال داده شدم، این جا سیم های دستگاه پیشرفته ای که میزان فشار خون، نبض و اکسیژن خون را نشان می داد به دست هایم وصل شد، پرستار جوانی که این کار را انجام داد، خودش را معرفی کرد و برگه هایی را که توضیحاتی درباره نوع بیماری و اقدامات لازم در آن نوشته شده بود به من داد و سپس گفت اگر کاری داشتی به وسیله این زنگ، مرا مطلع کن. دقایق و ساعت ها به کندی هر چه تمام تر می گذشت، بیدار خوابی به شدت آزارم می داد، درخواست آرام بخش کردم، گفتند چند وقتی است که بنا به دستور، داروها از پرستاری جمع آوری شده و فقط با دستور و تایید پزشک باید از داروخانه اورژانس تهیه شود. به هر سختی و به هر حال شب اول گذشت، هر ۸ ساعت آزمایش خون گرفته و سرم ها شارژ می شد، در حالت وصل سرم و سوندو... روی تختی که گویا از چند جا شکسته و ترمیم شده بود، اگر لحظاتی چشم هایم گرم خواب می شد، آن هم در حالتی که بالشی برای گذاشتن سرو جود نداشت، ناگهان صدای برانکاردی که هنگام عبور بر کف اورژانس، صدایی مانند صدای حرکت قطار روی ریل از آن به هوا برمی خاست، چرتم را پاره می کرد، گاهی نیز صدای کشیده شدن سطل های چرخ دار جمع آوری زباله در فضا می پیچید، البته صداهای بلند برخی پرسنل که برای انجام کار بیماران یا دیگر خدمات در محیط اورژانس طنین می افکندو خود دلیل و بهانه ای دیگر برای تداوم بیدار خوابی و سلب آرامش می شد. لحظاتی هم چند خانم پرستار جوان که گویا فراموش کرده بودند در بخش پرستاری و در وسط بیماران بستری اورژانس نشسته اند از روی حواس پرتی بلند بلند حرف می زدند و با صدای بلندتر خنده سر می دادند! که حدود یک ساعت بعد که خودم را راضی کردم با یکی از آنان در کمال ادب صحبتی داشته باشم، گفتم دخترم شما که این قدر خوب و مودب هستید و این همه زحمت می کشید کمی آرام تر صحبت کنید که آن پرستار جوان مودبانه عذرخواهی کرد و گفت سعی می کنم.

نظافت اورژانس

بیمار گزارش ما که چند روزی است ترخیص شده درباره خدمات نیروهای خدماتی یا نیروهای معروف به «کمکی» در اورژانس عدالتیان می گوید: در این سه شبی که بستری بودم می دیدم که نیروهای خدماتی به نظافت و پاکیزه نگاه داشتن محیط همت ویژه ای دارند و جالب این که بعد از صبحانه که معمولا بین ساعت ۶ تا ۶:۳۰ صبح سرو می شد، همه این نیروها به صورت ویژه برای نظافت و مرتب کردن محیط حتی «آنکارد» تخت ها اقدام می کردند و از قرار معلوم هر روز ساعت ۷ طبق برنامه تعریف شده کسانی از جمله سرپرستارها برای بازدید محیط می آمدند، این عزیزان که معمولا لباس های کرم رنگ برتن داشتند نیز رفتار خوب و مناسبی با بیماران دارند خصوصا آقای... که در مدتی که من بستری بودم انصافا می دیدم از جان و دل و بی منت به بیماران خدمت می کرد که خداوند اجرشان دهد.

در اورژانس به بیماران ماسک داده نمی شد

از نکات جالبی که اکبر آقا می گفت، این بود که گویا در اورژانس از دادن ماسک به بیماران خبری نبوده و بیماران در این شرایط کرونایی باید خودشان ماسک تهیه می کردند، آن هم در حالی که بیمارستان برای بستری، انجام آزمایش ها، پرستاری، خدمات، غذا و... هزینه زیادی می کند! بیشتر پتوهای موجود نیز گویا به خاطر کمبود بودجه گرچه شست و شو داده می شود اما دیگر رنگ و رویی برایشان باقی نمانده که شاید کمک خیران و البته دولت بتواند گامی ارزنده در مسیر تهیه چنین اقلامی برای بیمارستان های دولتی باشد.

قصه هزینه های اورژانس

از جمله نکات قابل توجه در گفته های بیمار ترخیص شده درباره خدمات ما این است که او درباره کمبود ملموس پزشک متخصص در اورژانس و ارتباط بسیار کم و محدود ایشان با بیماران سخن می گوید. اما نکته بسیار قابل توجه در صحبت های اکبر آقا، هزینه های دریافتی توسط اورژانس است. او می گوید برای سه شبی که بستری بودم و با انجام آزمایش های متعدد و حمل با آمبولانس در محیط بیمارستان برای انجام «آندوسکوپی» و... و همه خدماتی که انجام شد، در پایان و هنگام ترخیص مبلغی در حدود ۶۰۰ هزار تومان از من دریافت کردند که این مبلغ حتی هزینه همان چند وعده صبحانه، ناهار و شامی که دادند، نمی شود. نکته و مسئله ای که در این بحبوحه گرانی ها و تورم سرسام آور بسیار قابل توجه و البته شایسته قدردانی از مجموعه نظام سلامت و دولت و حاکمیت است. القصه اکبر آقای گزارش ما که به لطف خداوند این روزها حالش خوب است و منتظر حلول سال نوروسیدن به سال ۱۴۰۰ در کنار خانواده، برای همه انسان ها خصوصا هموطنان عزیزمان و مجموعه پرستاران و پزشکان و نیروهای خدماتی و کادر درمان و مجموعه مدافعان سلامت، آرزوی تندرستی و بهروزی و عاقبت به خیری می کند و به روح همه شهیدان دین و میهن و شهدای مدافع سلامت درودی خالصانه تقدیم می کند.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر کلاسه ۹۹/۲۵۴ و رأی شماره ۱۳۹۹۶۰۳۰۷۱۱۴۰۰۳۹۶۲ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیروان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم مرجان اسماعیل زاده فرزند ابراهیم به شماره شناسنامه ۱۱۶۴ در یک باب منزل به مساحت ۱۹۱.۸۰ مترمربع قسمتی از پلاک ۲۸۲ فرعی از ۱۳-اصلی باغات واقع در بخش ۵ قوچان از محل مالکیت براتعلی حسن وردی قادر محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۹/۱۲/۲۶
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۰/۰۱/۱۵
اکبر اقبالی- رئیس ثبت اسناد و املاک شیروان
۹۹۰۹۲۵۰۰/ه

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رأی شماره ۹۹-۲۸۸۳ مورخه ۹۹/۱۱/۲۸ هیات به شماره کلاسه ۹۸-۳۳۸ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقردر واحد ثبتی حوزه ثبت ملکت منطقه دو بجنورد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای همت عزتی فرزند محمد حسن بشماره شناسنامه ۷۷۷ صادره از بجنورد در ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۲۶۵.۳۸ مترمربع از پلاک ۹۲۳ فرعی از ۱۶۳ اصلی واقع در اراضی پنبه زار خراسان شمالی بخش دوخرید اری از مالکه رسمی آقای علی فرخی محرز گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۹/۱۲/۱۱ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۹/۱۲/۲۶
احمد اصغری شیروان - رئیس ثبت اسناد و املاک
۹۹۰۸۹۶۰۳/ه

آگهی تجدید مناقصه عمومی دو مرحله‌ای شماره ۹۹/۱۱
شرکت توزیع نیروی برق شهرستان مشهد
Mashhad Electric Energy Distribution Co.
شرکت توزیع نیروی برق شهرستان مشهد در نظر دارد به منظور خرید انواع چراغ خیابانی نسبت به برگزاری مناقصه عمومی دو مرحله‌ای از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت اقدام نماید.
کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران و باز گشایی پاکت‌ها، از طریق درگاه آن سامانه به آدرس: www.setadiran.ir انجام خواهد شد.
تاریخ انتشار در سامانه: دوشنبه ۹۹/۱۲/۲۵
مهلت دریافت اسناد مناقصه از سایت: از ساعت ۱۰ صبح روز دوشنبه مورخ ۹۹/۱۲/۲۵ به مدت ۵ روز
مهلت زمانی ارائه پیشنهاد: تا ساعت ۱۲ ظهر روز چهارشنبه به تاریخ ۱۴۰۰/۱/۲۵
زمان بازگشایی پاکت‌ها: از ساعت ۱۳:۰۰ ظهر روز چهارشنبه به تاریخ ۱۴۰۰/۱/۲۵
اطلاعات دستگاه مناقصه‌گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت‌ها: شرکت توزیع نیروی برق شهرستان مشهد- بلوارخیام- نبش خیام جنوبی ۳۱- شرت توزیع نیروی برق شهرستان مشهد- امور تدارکات- اداره خرید کالا- تلفاکس ۳۷۶۷۳۴۷۴
اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه:
مرکز تماس: ۴۱۹۳۴-۰۲۱
روابط عمومی شرکت توزیع نیروی برق شهرستان مشهد
www.meedc.ir
۹۹۰۹۲۱۲۸/ه

آگهی تجدید مناقصه
شماره مناقصه ۷/۹۹/۱۸
موضوع: تجدید مناقصه بهسازی مسیل طرق محدوده شهرک طرق
مبلغ برآورد اولیه: ۳۲۹,۶۸۱,۲۰۹,۶۰۹ ریال می باشد.
جهت شرکت در مناقصه و کسب اطلاعات بیشتر به سایت مناقصات شهرداری مشهد به آدرس www.ets.mashhad.ir مراجعه نمائید و همچنین جهت اطلاع در روزنامه رسمی به آدرس www.rrk.ir درج می‌گردد.
امور قراردادهای شهرداری منطقه ۷
۹۹۰۹۲۴۸۲/ه

توکهمیتونیخونیخبیخونجیمو...

آگهی مناقصه عمومی (نوبت دوم) مناقصه شماره : ۱۱-۹۹
شرکت آب منطقه ای خراسان شمالی
۱- دستگاه برگزار کننده مناقصه : شرکت آب منطقه ای خراسان شمالی
۲- موضوع مناقصه : انجام خدمات مربوط به متصدیان ایستگاههای آب و هواشناسی استان خراسان شمالی در سال ۱۴۰۰
۳- حداقل صلاحیت مناقصه گران : کلیه شرکتهای واجد صلاحیت (تایید شده از سوی اداره کل کار و امور اجتماعی خراسان شمالی در خصوص فعالیت مد نظر).
۴- برآورد اولیه : حدود ۵۶۰۰میلیون ریال
۵- مبلغ تضمین شرکت درفرآیند ارجاع کار : ۲۸۰میلیون ریال با اعتبار حداقل ۳ ماه و قابل تمدید تا ۳ ماه دیگر
۶- محل دریافت اسناد مناقصه : سامانه تدارکات الکترونیک دولت (ستاد) به نشانی www.setadiran.ir
۷-مهلت دریافت اسناد مناقصه : از روز دو شنبه مورخ ۹۹/۱۲/۲۵ تا ساعت ۱۴ روز شنبه مورخ ۹۹/۱۲/۳۰
۸-محل تحویل اسناد مناقصه : بارگزاری در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد)
۹- مهلت تحویل اسناد مناقصه : تا ساعت ۸ صبح روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۰/۱/۱۵
۱۰ - محل و زمان گشایش پیشنهاد ها : ساعت ۹ صبح روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۰/۱/۱۵ شرکت آب منطقه ای خراسان شمالی
شرکت آب منطقه ای خراسان شمالی
۹۹۰۹۲۲۸۳/ه